گفت‌وگو با محکوم به مرگی که بخشیده شد

یک لحظه عصبانیت ۱۵ سال کابوس چوبه دار

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ یکی از روزهای اردیبهشت بود و بازار رشت حال و هوای خاصی داشت. جمعیت در رفت‌وآمد و سرگرم خرید بودند که ناگهان صدای فریاد و درگیری از داخل یک مغازه به گوش رسید. مردم با کنجکاوی به سمت مغازه لباس‌فروشی رفتند در همین موقع مردی جوان که صاحب مغازه بود با عصبانیت مرد میانسالی را از داخل مغازه به بیرون هل داد، اما مرد میانسال که تعادلش را از دست داده بود عقب عقب رفت و در حالی که سرش به تیزی دیوار اصابت کرد نقش برزمین شد. در یک چشم بر هم زدن خون همه جا را فراگرفت. مردم با دیدن این صحنه وحشت زده با اورژانس و پلیس تماس گرفتند. لحظاتی بعد صدای آژیر آمبولانس به گوش رسید و امدادگران به سختی راهشان را از میان جمعیت باز کردند تا بتوانند مرد میانسال را به بیمارستان منتقل کنند.

مرد جوان با دیدن این صحنه بهت‌زده روی زمین نشست آنقدر از اتفاقی که رخ داده بود شوکه و ناراحت بود که وقتی دستبند مأموران پلیس دور دستش گره خورد توان حرف زدن هم نداشت.

بعد از این اتفاق سه فرزند مرد میانسال از حسن، مرد مغازه‌دار، شکایت کردند و پسر ۲۷ ساله راهی زندان شد. ۳ ماه و پنج روز، حسن پشت میله‌های زندان بود و دعا می‌کرد که مرد میانسال از کما بیرون بیاید اما در نود وهشتمین روز از این ماجرا وقتی خواهرش با رنگ و رویی پریده و چشمانی گریان به ملاقاتش رفت و از مرگ مرد میانسال خبر داد دنیا برای حسن تیره و تار شد. خیلی زود پرونده به قتل تغییر کرد و او با مجازات قصاص روبه‌رو شد. کابوسی که ۱۵ سال طول کشید و زندگی و جوانی‌اش را نابود کرد. اما از آنجا که اگر خدا نخواهد برگی از درخت نمی‌افتد بعد از ۱۵ سال در نهایت با تلاش واحد صلح و سازش و گذشت اولیای دم سرانجام درهای زندان رشت به روی این مرد جوان باز شد و حسن بعد از ۱۵ سال پای در دنیایی گذاشت که به اندازه یک دنیا با گذشته فرق کرده بود. نه تنها شهر و وضعیت اقتصادی، بلکه مردم هم تغییر کرده بودند و او همان لحظه مردد شد و بار دیگر به خانه برگشت.

حالا با گذشت یک سال و نیم از آزادی‌اش مردی که به قول خودش پول کرایه ماشین برای رفتن به خانه را نداشت، توانست با تلاش و کوشش برای خود کار و کاسبی راه انداخته و اعتبار و اعتمادی را که سال‌ها قبل کاسبان محل به او داشتند، برگرداند.

مرا قصاص کنید

«بی‌حرفی زندان، آدم را نابود می‌کند»؛ با این جمله گفت‌وگویمان را با حسن آغاز می‌کنیم و ادامه می‌دهد: خدا زندان را قسمت دشمن آدم هم نکند. چند ماه اول حرف داری که برای هم‌سلولی‌هایت تعریف کنی اما بعد از آن چیزی نمی‌ماند که بگویی و شاید در طول روز با هم‌سلولی‌هایت ۵ جمله هم نگویی و همین موضوع باعث می‌شود که زمان برایت نگذرد آن هم زمانی که با کابوس قصاص طی می‌شود. در زندان آدم خوب هم پیدا می‌شود چون خیلی‌ها بدون قصد و نیت قبلی و فقط به خاطر یک تصمیم اشتباه و یک لحظه عصبانیت گرفتار زندان می‌شوند.

اختلافت با مقتول بر سر چه بود؟

من از سن کم و از صفر شروع کردم اما بعد از چندین سال کار سخت و شاگردی، موفق شدم برای خودم مغازه‌ای بزنم. این اواخر برای خودم ماشین مدل بالا و زمین خریده بودم و روزگارم خوب بود. مقتول فرهنگی بازنشسته بود او از من جنس می‌گرفت و در بازار می‌فروخت. سال ۸۸ حدود ۶۰۰ هزار تومان به من بدهکار شد و هربار که سراغ پولم را می‌گرفتم بهانه می‌آورد. این در حالی بود که از این طرف و آن طرف می‌شنیدم با دیگران که کار می‌کند پول آنها را می‌دهد. روز حادثه باهم دعوایمان شد از روی عصبانیت او را هل دادم که تعادلش را از دست داد و سرش به تیزی دیوار برخورد کرد و نقش زمین شد. قصدم کشتن او نبود و همه چیز در یک لحظه رخ داد.

اتهامت قتل عمد بود؟

من درصحنه حادثه بازداشت شدم. بعد از فوت او، ابهامات در رابطه با عمد یا غیرعمد بودن قتل زیاد بود چندبار پرونده‌ام نقص خورد اما در نهایت نماینده پزشکی قانونی وقت آن زمان اعلام کرد موضوعی که باعث مرگ شده ضربه‌ای بوده که به سرش وارد شده است. با این نظریه سال ۹۵ و بعد از ۷ سال بلاتکلیفی حکم قصاصم صادر و تأیید شد. تا آن زمان کورسوی امیدی داشتیم که از زندان آزاد می‌شوم اما با تأیید حکم همه چیز تمام شد.

اولیای دم چه می‌گفتند؟

مقتول سه فرزند داشت، دو فرزندی که در شمال زندگی می‌کردند خواهان قصاص بودند اما فرزند دیگرش که استاد دانشگاه در تهران بود می‌گفت من قصاص نمی‌خواهم اما قاتل پدرم تا آخر عمر در زندان بماند.

پای چوبه دار هم رفتی؟

نه. اما از آنجایی که بچه‌های مقتول مرا بلاتکلیف گذاشته بودند و روزهای بدی را سپری می‌کردم تقاضای اجرای حکم برای دادستان نوشتم. من هر هفته نامه می‌نوشتم که حکم مرا اجرا کنید چون از این بلاتکلیفی خسته شده‌ام. می‌گفتم یا بیاید رضایت بدهید یا حکم را اجرا کنید. قاضی اجرای احکام هم به اولیای دم گفت چون بالای ۱۰ سال است که حسن در زندان به سر می‌برد، اگر حکمش را اجرا نکنید طبق قانون می‌تواند با قید وثیقه آزاد شود.

چرا برای اجرا نمی‌آمدند؟

فرزندی که در تهران بود گفت من می‌بخشم و هیچ تقاضایی هم ندارم. یکی دیگر از بچه‌هایش هم که در اینجا بود اعلام گذشت کرد اما یکی از آنها گفت برای بخشش، وجه المصالحه می‌خواهم. آن زمان خانمی که از صلح یاران است با خانواده مقتول صحبت کرد و در نهایت با کمک خیرین و گرفتن قرض و وام و فروش اموالم، توانستم این وجه المصالحه را پرداخت کنم.

بعد از آزادی چه کردی؟

تصور می‌کردم بعد از آزادی شرایط خوب شود اما خیلی بد بود. ۱۵سال زمان کمی نبود همه چیز تغییر کرده بود اعتمادی که مردم به من داشتند از بین رفته بود. پدرم را که در تمام سال‌ها پشتم بود و برای گرفتن رضایت و فراهم کردن پول دیه خیلی تلاش کرده بود، از دست داده و بی‌پشت و پناه بودم. بعد از آزادی همه مرا به چشم قاتل نگاه می‌کردند در حالی که واقعاً یک حادثه باعث این اتفاق شده بود. وقتی شرایط را این‌گونه دیدم افسردگی گرفتم و دلم می‌خواست به زندان برگردم. ۱۱ جلسه نزد روانشناس رفتم، یکی از دوستانم و همسرش هم به من خیلی کمک کردند مرا به مغازه‌شان بردند تا کار کنم.

الان اوضاعت بهتر شده است؟

روزی که از زندان آزاد شدم حتی پول کرایه ماشین هم نداشتم و تا مدتی از خواهر و برادرم پول می‌گرفتم و این برای من که روزی پولدار بودم خیلی سخت بود. تا اینکه از زندان وام گرفتم و برادرم هم کمک کرد و پولی که داشتم را در حسابی گذاشتم و از روی آن هم وام گرفتم و خلاصه شروع کردم به خرید و فروش خودرو. کم کم توانستم قسط و قرض‌هایم را بدهم و همچنین به خاطر تلاش و خوش‌حسابی با مردم اعتماد و اعتبارم را تا حدود زیادی به دست آوردم.

به سراغ اولیای دم نرفتی؟

بعد از آزادی به همراه چند نفر از ریش‌سفیدان و بزرگان، سراغشان رفتم و از آنها حلالیت گرفتم؛ نمی‌خواستم کینه‌ای از من به دل داشته باشند. گاهی اوقات سر خاک مقتول می‌روم و برایش خیرات می‌دهم وطلب بخشش می‌کنم.

هشدار پلیس فتا

با عکس یادگاری حسابتان خالی می‌شود

این روزها پیامکی برای کاربران ارسال می‌شود با این عنوان که اگر می‌خواهی عکس‌های یادگاری‌ات را ببینی روی لینک زیر کلیک کن. این پیامک در واقع یک بدافزار است که به محض کلیک روی لینک همه اطلاعات تان هک می‌شود.

سردار داود معظمی‌گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران بزرگ گفت: «با وجود اطلاع‌رسانی‌های مستمر پلیس درباره شیوه‌های پیشگیری از کلاهبرداری‌های سایبری، همچنان شهروندانی به پلیس فتا پایتخت مراجعه می‌کنند که پس از دریافت لینک یا فایل آلوده و کلیک روی آن، تلفن همراهشان آلوده شده و اطلاعات شخصی و بانکی آنان مورد دستبرد قرار گرفته است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد مجرمان سایبری گاهی لینک‌های آلوده را در قالب پیام‌هایی با عناوینی مانند «عکس قدیمی»، «عکس یادگاری» یا فایل‌های شخصی برای کاربران ارسال می‌کنند. این فایل‌ها ممکن است با پسوندهایی مانند PDF و APK ارائه شوند و در نگاه اول بی‌خطر به نظر برسند، اما کلیک ناآگاهانه روی آنها می‌تواند زمینه آلوده شدن تلفن همراه و دسترسی غیرمجاز به اطلاعات کاربر را فراهم کند.»

وی تصریح کرد: «در برخی موارد، بدافزار پس از آلوده کردن تلفن همراه، بدون اطلاع کاربر برای سایر مخاطبان و کاربران ارسال می‌شود و زمینه گسترش آلودگی و وقوع کلاهبرداری‌های بعدی را فراهم می‌کند. در همین رابطه، تعدادی از شهروندان با مراجعه سریع به پلیس فتا، مورد بررسی فنی قرار گرفتند و کارشناسان موفق شدند بدافزاری را که با عنوان فایل‌های حاوی تصاویر یادگاری منتشر شده بود، شناسایی و از تلفن همراه قربانیان حذف کنند. در پی اقدامات فنی و تخصصی پلیس، وجوه سرقت شده نیز در کوتاه‌ترین زمان ردیابی شد و از خروج این مبالغ از چرخه بانکی جلوگیری به عمل آمد. هویت عامل این اقدامات مجرمانه نیز شناسایی شد و در عملیاتی ضربتی، متهم در مخفیگاهش که یک ویلای اجاره‌ای در اطراف تهران بود، دستگیر شد.»

سردار معظمی‌گودرزی گفت: «از کلیک روی لینک‌هایی که از سرشماره‌های رسمی و دولتی ارسال نشده‌اند، خودداری کنید. در صورت مواجهه با هر گونه رخداد سایبری یا سرقت اینترنتی، در کوتاه‌ترین زمان به مرکز فوریت‌های سایبری پلیس فتا تهران بزرگ یا مراکز پلیس فتا در شهرستان محل سکونت خود مراجعه کنید. شماره ۰۹۶۳۸۰ آماده پاسخگویی به پرسش‌های هموطنان درباره جرایم سایبری است.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. ۹۱۲۷

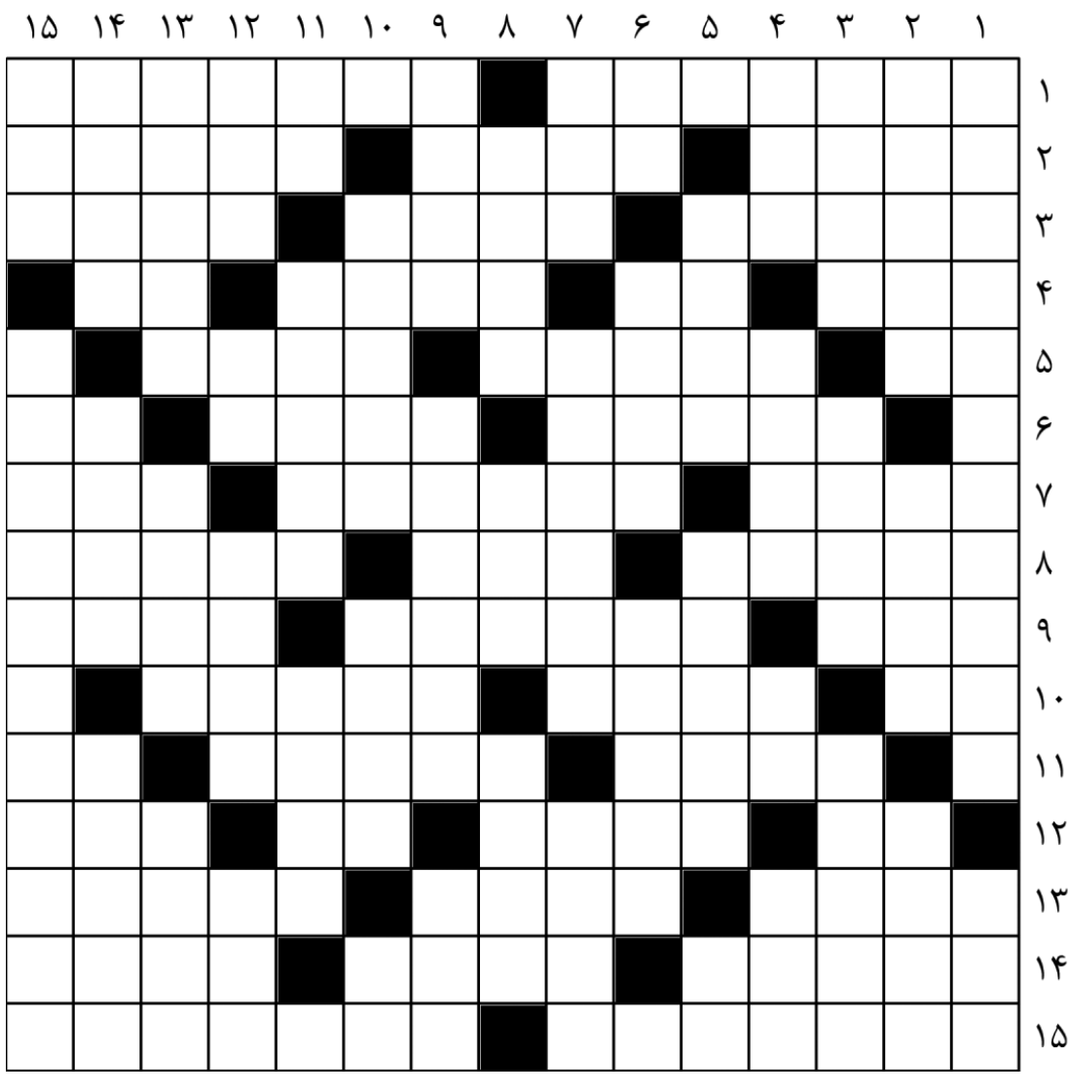

جدول عادی

افقی

۱- کشور «کپنهاگ» - از محصولات درخت خرما و نیز سوغاتی بسیار دلپذیر بوشهر
۲- فرماندهان لشکر - زبان مردم «پاکستان» - شهر استان سیستان و بلوچستان
۳- ملامت - از وسایل دانش‌آموز - بزرگ عامیانه
۴- ارزش و اعتبار - جستن گلوله - شیره درختان - عددی یک رقمی
۵- تن‌پوش لاغری موقت! - عرضه شده برای خرید - رنگ خاکستری با ته‌رنگ آبی
۶- پاک کردن با آب - گیاه الیافی - شکافتن جراحت
۷- کار خلاق و ابتکاری - ماشین درو - پرنده‌ای پر سروصدا
۸- آسانی - همان «یورش» - معلوم و آشکار
۹- مانند - سالخورده - کشور «مسقط»
۱۰- رود اروپایی - کشیدنی بر چشم - نام دخترانه
۱۱- سیاره خودمان - خوب شدن بیمار - کاغذ چاپ
۱۲- عضو محبت - نظیر - خار سر دیوار - خزنده خوش خط و خال
۱۳- جانشین - پیشوند کوچکی - موهوم و غیرواقعی
۱۴- وسیله آرایش خانم‌ها - بهشت - امر به آموختن
۱۵- فیلمی به کارگردانی رضا مقصودی (روی پرده سینما) - از مشاغل روستاییان

عمودی

۱- از مراکز آموزشی تهران - باطل کردن
۲- ممکن بودن - مخفی - شفابخش است اگر خدا بخوا هد
۳- امپراطور روم - بدکار - نام زن عزیز مصر که عاشق یوسف(ع) شد
۴- چراغ آسمان - سنگ ارگانیک کهنه - زهر - تنگه
۵- نام‌آوری - بزرگداشت - مرکز ریشه‌ای
۶- نشان مفعول - قصر - دارای یک اسم
۷- مزرعه نقلی و محصور - بخاری دیواری - نام پسرانه
۸- زنگوله - فرچه - مسبب
۹- درجه و حالت خوب - آپارتمان - چاره، علاج
۱۰- تعجب و حیرت - سرسرای هتل - گشاده
۱۱- عدد قهرمان - شهری در مثلث! - جهنم
۱۲- رکن اصلی نقاشی - هرگز نه - دادنی با «وعده» - خا طر
۱۳- تیم اروپایی - رخسار - قابله
۱۴- کار کوچک - کلمه دعایی به‌معنی «باشد» - قسمی چراغ خوراک‌پزی
۱۵- اثر آلودگی بر جامه - شاعر ایرانی سده پنجم هجری

جدول ویژه

افقی

۱- عنصر کمیاب - ارگانیسم
۲- به‌معنی کلاه - رنجیده‌خاطر - سد آذری
۳- همراه - غذای نذری شیرین - تفسیر کننده
۴- ستون کشتی - مردن از غصه - نماهنگ - لولو
۵- سنگ آسیاب - خوش‌اخلاق - حرف دهم یونانی
۶- پاک کننده غلات - ماده چای - رها
۷- هتلی در «استانبول» - تیم بلژیکی - نکوهش سرایندگان
۸- قطعی برای چاپ کتاب - آش برنج - قوت لایموت می‌پزد!
۹- جوانمرد - فیلم‌مهرشاد کارخانی - یرقان
۱۰- گیاهی خاردار - محروم و بی‌نصیب - کاخ تاریخی
۱۱- شبه‌جزیره «مصر» - رایزن - میوه
۱۲- فرتوت - اسم دخترانه - درنده‌خو - مقابل «تند»
۱۳- مانند - زودباور - نژاد روسی
۱۴- نرم‌افزار تلفن‌های هوشمند - بیسکویت سبک و ترد - دومین شاه گوگوریو
۱۵- جزو لاینفک وسایل سرماساز مثل یخچال - صرع

عمودی

۱- اثر «هاوارد فاست» - ضربه مشت از بغل در بوکس
۲- بازتاب - تتانس - دهانه، مهار
۳- جناح لشکر - نامه‌بر - درجه‌ای در ارتش
۴- با «تب» آید - رشته پهن - نرخ بازاری - سحاب
۵- درجه‌درجه - واحد - شکم‌خواره
۶- شبکه اینترنتی - رخت و پارچه - ابزار درس هندسه
۷- ستودن - روستایی در جنوب شرقی بیرجند - سریال سعید سلطانی
۸- وسیله‌ای در موتورهای درون‌سوز - درست شدن کارها - یکی از فقیرترین کشورهای جهان
۹- اتاق زندانی - اثر «آگاتا کریستی» - بجا آوردن عهد
۱۰- بهره هوشی - سرده‌ای از درختان - موسیقی جوانان
۱۱- تولد - آخر - مالیخولیا
۱۲- پف کردن - پی‌نوشت - آسیب - از مظاهر خشم طبیعت
۱۳- نشانه‌های نوشتاری - نام «جیمز» نویسنده - سرمربی سابق «لیورپول»
۱۴- پابرجا - خلاف «عدم» - شهر مقدس برهمائیان
۱۵- کار نمایان - رهآورد بهشهر

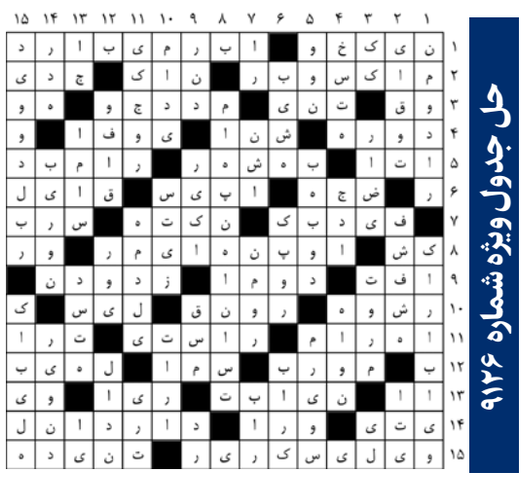

حل جدول ویژه شماره ۹۱۲۶

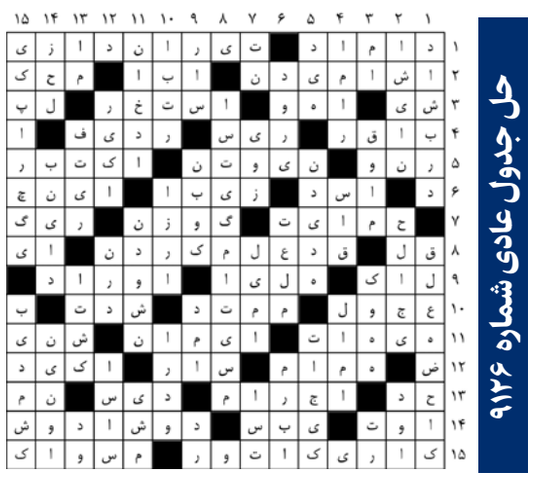

حل جدول عادی شماره ۹۱۲۶